

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

ویرجینیا - 23 جون 2013

## پُرسش و نگاه

هر باری که از معبر طلائى برگهای پائیز میگذشتیم، مهر سکوت به لب میداشت و بر نجوای ریختن و شکستن شاخه ها گوش فرا میداد، تا ادامه فرجام. روزی پرسیدم: حیف نیست مگر این همه فاصله ها را بی گفت و گو گذشت؟ با همان نگاه ساده و زیبا بر من نگریست و ساقه آخرین لبخند روی لبش سبز شد و در یک ثانیه گذران، دچار وسوسه جواب دادن به پرسشم گردید و اما باز با گامهای آهسته سینه انبوه برگهای خشکیده را درید و راز سکوتش را تفسیر نکرد. با این شیوه، اندوه هزاران گره در گلویم مایه بست. سال بعد که شکوه دیدار از دیده ام رخت بر بسته بود، با خودم از آن معبر میگذشتم و آرزوهای ناتمام را مرواریدگونه از دیده میریختم. پیچکهای خشکیده زیر خشم گامهای ناله میکردند و در رگهای سیماب زهر آگین یأس میدوید. دستانم سرد بود و در مرز آفتابی دستان او توان گذر نداشت. نوای دلپذیر پرندگان شیشه سرد سکوت را میشکست و من باز به آن پرسش و آن رمز نگاه می اندیشیدم.

(ناهید "غزل" غنی زاده)